

پرده نقره‌ای

«۲۳ نفر» و «جان‌دار» اکران شدند
«تیغ و ترمه» انصراف داد

فاطمه معتمدآریا، حامد بهداد، جواد عزتی و باران کوثری در «جان‌دار» به کارگردانی حسین امیری دوماری و پدram پورامیری بازی می‌کنند. به گزارش هنر آنلاین، در هفته‌های گذشته قرار بود سه فیلم جدید روی پرده سینماهای کشور برود که از این میان دو فیلم «۲۳ نفر» و «جان‌دار» اکران شدند و فیلم «تیغ و ترمه» به کارگردانی کیومرث پوراحمد به دلیل کافی نبودن سانس‌ها و عدم تمایل سینماداران به اکران فیلم، به درخواست تهیه‌کننده و کارگردان از اکران در این فصل انصراف داد. «جان‌دار» به کارگردانی حسین امیری دوماری و پدram پورامیری از چهارشنبه ۲۰ آذر اکران شد و در روز ۴۰۵ میلیون و ۷۳۸ هزار تومان فروش داشت. این فیلم روایتی از سردرگمی یک خانواده است که جوانشان در آستانه‌اعلام است. «۲۳ نفر» به کارگردانی مهدی جعفری نیز از چهارشنبه ۲۰ آذر به سرگروهی باغ کتاب روی پرده سینماها رفت و در روز ۷۹ میلیون و ۶۹۵ هزار تومان فروخت. این فیلم که براساس قصه‌ای واقعی ساخته شده درباره گروهی از زرمندگان نوجوان ایرانی است که در جریان جنگ ایران و عراق در سال ۱۳۶۱ به اسارت نیروهای عراقی درآمدند. مجید پتکی، سعید آلبوعبادی، رضا نوری، عبدالحلیم تقلی، محمد رشوبخشی از بازیگران این فیلم سینمایی هستند.

اطلاعیه روابط عمومی جشنواره
فیلم فجر درباره سینمای رسانه



انتخاب سینمای رسانه‌سی و هشتمین جشنواره فیلم فجر نظرسنجی می‌شود. روابط عمومی جشنواره فیلم فجر اعلام کرد: حسب درخواست دبیر جشنواره فیلم فجر و در راستای احترام به نظرات اهالی رسانه، با اضافه شدن امکانی در سامانه ثبت نام، متقاضیان در خواست کارت از بین گزینه‌های برج میلاد و پردیس سینمایی ملت یکی را به عنوان مکان پیشنهادی خود مشخص کنند تا در نهایت بعد از پایان ثبت نام‌ها از رای خبرنگاران و منتقدان حائز شرایط دریافت کارت، سینمای اصحاب رسانه نهایی شود. لازم به ذکر است همزمان با انتشار لیست اسامی حائزین شرایط کارت جشنواره، گزینه پیشنهادی هر نفر قید خواهد شد. با توجه به اعمال تغییرات در سامانه ثبت نام و اضافه شدن این دو گزینه، ثبت نام اصحاب رسانه، اعضای انجمن منتقدان و نویسندگان سینمای ایران و رسانه‌های دیداری، شنیداری (رادیو) برای حضور در سی و هشتمین جشنواره فیلم فجر با یک روز تاخیر از دیروز ۲۴ آذرماه آغاز شد و تا ۱ دی ماه ادامه خواهد داشت.

«ما که هستیم» کلید خورد



«ما که هستیم» به نویسندگی، تهیه‌کنندگی و کارگردانی ابوالحسن کیوان جلوی دوربین رفت. به گزارش هنر آنلاین، فیلمبرداری فیلم سینمایی «ما که هستیم» مدتی است آغاز شده و تهران، دماوند و شیراز لوکیشن‌های اصلی این فیلم هستند. در خلاصه داستان این فیلم آمده است: مردی ناامید که فکر می‌کند، جامعه موقعیت مناسبی برای شکوفایی استعدادهاش در اختیار او نگذاشته و عمرش به بطالت و پوچی گذشته است، پس از مرگ مادرش با بحرانی تازه روبرو می‌شود و می‌فهمد که پدر و مادر واقعی‌اش آنهایی نیستند که او را بزرگ کرده‌اند. او از این زمان کنجکاوانه همراه همکار و دوستش در پی پیدا کردن پدر و مادر و هویت واقعی‌اش می‌رود و در میانه ماجرا اتفاقات عجیبی برایش رقم می‌خورد...

به طور کلی جان‌دار به
عنوان فیلمی که قصد به
چالش کشیدن مفهوم
قصاص در جامعه و بازنده
بودن طرفین این ماجرا
را دارد، توانسته است در
انتقال این مفهوم موفق
عمل کند و به عنوان یک
فیلم متوسط، گلیم خود را
از آب بیرون بکشد

آنچنان بازی برای فیلم خود در نظر بگیرد که به هیچ شکل نمی‌شود حتی به بستنش، فکر کرد. هر دو احتمال و راه پیش روی کارگردان برای تمام کردن فیلم یعنی (۱) سقط جنین توسط اسما و طلاق از سعید و ازدواج با یاسر (جواد عزتی) و (۲) قصاص شدن و مرگ جمال، بدون شک دچار می‌شود و سر نوشتی نامعلوم برای فیلم رقم می‌زد.

به طور کلی جان‌دار به عنوان فیلمی که قصد به چالش کشیدن مفهوم قصاص در جامعه و بازنده بودن طرفین این ماجرا را دارد، توانسته است به خوبی از پس حرف خود بر بیاید و به نوعی قصاص را به عنوان عامل ایجاد تنش و خشونت مطرح کند. فارغ از رد یا اثبات این فرض، این فیلم در انتقال این مفهوم موفق عمل کرده است و به عنوان یک فیلم متوسط، توانسته است گلیم خود را از آب بیرون بکشد.



همین بازی‌های تکراری در ترکیب موزون بازی‌های این فیلم کاملاً جا گرفته و در راستای تکمیل اهداف داستان عمل می‌کند. بازی‌های روان و بی نظیر معتمدآریا و کوثری نیز به ایجاد این فضا کمک کرده است؛ اما مهمتر از اینها بازی جواد عزتی در نقش یاسر است که با آنکه شخصیت پردازی کاراکتر او در فیلمنامه چندان کامل نیست و بجز چند اکت محدود مثل دادگاه و گرفتن قیومیت و دیدارش با اسما (باران کوثری)، تلاشی برای این شخصیت صورت نگرفته اما بازی چنان تاثیرگذار است که شاهد یک بدمن موثر در روند فیلم هستیم که بار یک سوی داستان را به تنهایی به دوش می‌کشد.

بر خلاف بازی‌های قابل قبول، اسما و بازیگری که نقش جمال و سعید را ایفا می‌کنند که یکی قاتل دیگری دامادین خانواده است، آنقدر فاصله زیادی با استاندارد بازیگری این فیلم دارند که از فرم کار به صورت جدی بیرون می‌زنند و هیچگونه احساسی را در یکی دو سکانس مهم احساسی به بیننده منتقل نمی‌کنند و همین امور است که این فیلم را از یک فیلم خوب به یک فیلم خوشبینانه متوسط تبدیل می‌کند. البته در این امر نباید محذ و دیت های کشور و حساسیت‌های موجود در حوزه مضمون فیلم جان‌دار یعنی قصاص را فراموش کرد. امری که موجب می‌شود فیلمساز، پایان بندی



تعدادی از بازیگران از جمله حامد بهداد، علی شادمان، مسعود کرامتی در آثار قبلیشان دیده بودیم اما قهرمان فیلم در فضای کاملاً زیبا و شاد درون ساحل، کشته می‌شود و این اتفاق تا پایان فیلم، این کاراکتر را درگیر می‌کند. اسما در ادامه همانطور که بیان شد، فیلم در نمایش تبعات این ماجرا بسیار خوب جلو می‌رود و از خردروایت‌ها و تزریق قطره چکانی اطلاعات مفید، بیشترین بهره را می‌برد و اتمسفری را ایجاد می‌کند که مخاطب در آن زیست می‌کند و کاملاً با آن همراه می‌شود.

پپیچیدگی روابط در این خانواده و دوهمسره بودن آقا رحمان (با بازی مسعود کرامتی) و ناتنی بودن وحید (با بازی علی شادمان) و اسما (با بازی باران کوثری) و تفاوت رفتار این دو در ارتباط با ثریا (با بازی فاطمه معتمدآریا) که اسما او را مادر خود می‌داند و به برادر ناتنی‌اش احساس دین می‌کند و ندانستن این احساسات توسط وحید، این پیچیدگی را بیشتر هم می‌کند. اما مهم‌ترین نقطه قوت فیلم بدون شک بازی‌های بسیار روان و تاثیرگذار و مخصوصاً بازی گرفتن کارگردان از بازیگرهاست. درست است که بازی‌های مشابهی را از

فیلم‌های حادثه‌محور امریکایی با فضای بسیار زیبا و شاد شروع می‌شود و با یک شوک که کل داستان را تحت الشعاع قرار می‌دهد، ادامه پیدا می‌کند. فضای عروسی و نگرانی‌های میزبانان همراه با بازیگران آشنا، کاراکترهای فیلم را به ما می‌شناساند. و در همین حین است که حادثه محوری فیلم اتفاق می‌افتد و از قضا یکی از ضعف‌های فیلم در اجرا و کارگردانی دقیقاً در این نقطه روی می‌دهد. جایی که یک شوک اساسی که همان حادثه محوری باشد می‌تواند نفس بیننده را بگیرد و حادثه را آنچنان که فاجعه‌بار است، نشان دهد که بیننده به راحتی نتواند وارد قضاوت ناخودآگاه بین کاراکترهای داستان شود؛ اما نکته اینجا است که دعوی ابتدایی فیلم خیلی بجه‌گانه و مبتدیانه تصویر شده است تا آنجا که وقتی وحید (با بازی علی شادمان) جاقو می‌خورد، نمی‌توان به خوبی باور کرد و حتی کشتن برادر یاسر هم آنچنان که فاجعه‌بار است بر بیننده تاثیر نمی‌گذارد. کافیت این سکانس را مثلاً با فیلم ضدایرانی قاتل امریکایی مقایسه کنید، جایی که همسر

جان‌دار داستان خانواده‌ای است که بر اثر یک اتفاق درگیر موضوع قتل و قصاص می‌شوند و برای رهایی از آن راهی جز یک جنایت دیگر پیش روی خود نمی‌بینند. عوامل فیلم عیار تند از: نویسنده: حسین امیری دوماری، پدram پورامیری، محمد داوودی کارگردان: حسین امیری دوماری، پدram پورامیری، مسعود کرامتی، باران کوثری، حامد بهداد، علی شادمان، جواد عزتی، امیراحمد قزوینی

جان‌دار به عنوان اولین ساخته سینمایی کارگردان خود، به نوعی قطعاً یک موفقیت به‌شمار می‌آید. فیلمی که یک داستان مشخص دارد و به خوبی آن را روایت می‌کند. نقطه تعلیق فیلم پیرامون دو وضعیت انتقام و خشونت شکل گرفته و المان‌های فرهنگی خاص ایرانی همچون غیرت و آبروداری با داستان چنان درهم تنیده می‌شود که همذات‌پنداری بیننده‌ای که درگیر موضوع قصاص و قتل نیست را هم به خوبی برمی‌انگیزاند. شروع فیلم همانند بسیاری از

یک «فیلم اولی» می‌گوییم یک «فیلم اولی» می‌شنوید!

دانش‌آموخته‌ای از دانش اقباشاوی؛

دانش اقباشاوی با نگارش دلنواشته‌ای سعی داشته حال و هوای ساخت فیلم اول در سینمای ایران را توضیح دهد. از نخلستان‌های آبادان تا جنگل‌های گلستان. از بندر ترکمن تا بندر عباس. از فوگاز، چاشنی بدنی، چاشنی میدانی و ترمینال انفجار تا برتای ۱۶ تیر برزیلی، از سرمای رود شور تا گرمای کویر لوت، از ارتفاعات سوادکوه تا رمل‌های یزد، از حرم امام رضا تا اردوگاه اَشقیاء، از سینمای اجتماعی تا سریال جنگی از سفر به اعماق تاریخ تا فیلمسازی تجربی از اتاق گریسم، آفیش زرزو، هنرور بومی، باران مصنوعی، لاستیک برای دود، بازیگر فرعی، لابراتوار، مگنت، کی، فول اچ دی، سوپر ۳۰، اسکوپ، زدوان، پی دی ۲، ۱۵۰، سی، موتور درایو برای اسلوموشن، سالاد کردن نگاتیو، دفترچه تلفن، فون بوک،

ناگرا، دت، رین کت، کلاکت، چارت، زدیم به تخته، آکسل، ایمیل کردم، شماره منزل فیلمبردار، آیفون ۶، چیدن سرویس، جنا پارک برای پورشه، اصطبل، ناهار راننده تانک، سحری راننده بی‌ام‌پی، استخر خلبانان هلی کوپتر، فیلم کوتاه، تندیس خانه سینما، شکلات برای کارگردان، قیله نما و جانماز، کافی شاپ، مسجد سپه سالار، تنخواه سفر، قطار، اتوبوس، سواری، کامیون، دکتر فلان، سردار بیسار، مهندس بهمان، کاپیتان فلانی، گلدن تایم، کلونین، لطفا ساکت، دیستورت شد، عینک راکورددار، تصادف گروه، اتاق لباس سوخت، سر صحنه سقوط کرد، سرطان زدن، آرمبخش، ایفونیه، فیلمنامه نداریم، استوری بورد، راش‌ها فلو شده، سر تله فیلمه، برنامه ریز شون کیه؟، دستیار ۲

سراغ داری؟، منشی صحنه‌ای خوب، سیگار بهمن، بیسیم، ساعت گذاشتی؟، اتاق کانون، مجمع عمومی، امروز چقدر گرفتید؟، تایم مفید، روتوش. داره، قسط‌ها عقب افتاده، فارابی، سینه

موبیل، نگاتیو ۵۰۰، نداریم، باطری هاش اف تموم شد، کمپرسور، تراکتور، لودر، بچه شش ماهه، پیرزن ۹۰ ساله، عفونت دندان، آنفولانزا، ب کمپلکس، الکل گرم، آکانت، ندارم، شارژ باطری موبایل، دور خونی، تیغ،



رانندگی بلد نیست؟، ناهارش سر تایم باشه، رج باز یگر، رج هنرور، رج لوکشین، تولید، کل کل و..... سینایی، فرخ نژاد، پتگر، رنجبر، درویش، حاتمی کیا، فرشته حکمت، غریب پور، محسنی نسب، کاهانی، صدرعاملی، علیقلی زاده، میر کریمی و... بسیار بسیار از این واژه‌ها و نام‌ها را تا بی نهایت می‌توانم مرور کنم تا برسم تازه به «تاج محل». همه عزیزان هم‌صنم در کانون برنامه‌ریزان و دستیاران کارگردان هنوز هم شبانه‌روز با این مسائل دست و پنجه نرم می‌کنند. دمتون گرم که اعصابی از پولاد دارید و جسم و جانی همچون مجاهدان صدر اسلام. و گر نه طبق پیش بینی دیوید فینچر به جای رسیدن به ساخت فیلم‌هایتان و یادامه مسیر این لعنتی دوست داشتی سینما سسر از دارالمجانین در می‌آوردید. مخلص همه دانش.